

## «هوموساگرهای نوین»: بررسی وضعیت فوق‌العاده در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن

محلثه جزائی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۲

### چکیده

تحولات اخیر در ترکیه پس از وقوع کودتای ژوئیه ۲۰۱۶، به اعلام وضعیت فوق‌العاده توسط رئیس‌جمهور این کشور منجر شده است. وضعیت استثنایی، بر وضعیت نامتعادل میان حقوق عمومی و امر سیاسی دلالت دارد. اشمیت و آگامبن به عنوان دو نظریه‌پرداز وضعیت استثنایی، با نگاهی متفاوت به بررسی این وضعیت در نظام حقوقی پرداخته‌اند. اشمیت معتقد است وضعیت استثنایی، وضعیت پارادوکسیکال است که در آن حاکم بیرون از نظم حقوقی قرار گرفته، انحصار اخذ واپسین تصمیم را دارد. از طرف دیگر، آگامبن نیز بر این باور است که وضعیت فوق‌العاده به خروج تعدادی از شهروندان از دایره نظم حقوقی منجر می‌شود و به انقیاد بیشتر شهروندان می‌انجامد. این نوشتار با استفاده از نظریه این دو متفکر می‌کوشد وضعیت ترکیه پس از کودتا را تبیین کند. بر این اساس، پرسش این نوشتار این است: وضعیت فوق‌العاده در قانون اساسی ترکیه چه جایگاهی دارد؟ آیا با استفاده از نظریه اشمیت و آگامبن می‌توان کودتا و اقدامات پس از کودتا را در جهت افزایش قدرت دولت تبیین نمود؟ به نظر می‌رسد کودتا در ترکیه برای نظام سیاسی فعلی این کشور، مستمسکی برای حذف و طرد جریان‌های مخالف شده است و بیش از هر چیز افزایش قدرت و اختیارات ریاست جمهوری را در پیش دارد؛ امری که با سیطره بر حیات سیاسی شهروندان این کشور صورت می‌پذیرد.

**واژه‌های کلیدی:** ترکیه، وضعیت استثنایی، کودتا، قانون اساسی، هوموساگر، اشمیت، آگامبن

## مقدمه

اعلام وضعیت اضطراری در ترکیه پس از کودتای نافرجام در این کشور، پرسش‌هایی را برانگیخته که تاکنون ناگشوده باقی مانده‌است؛ اما اعلام وضعیت اضطراری از سوی اردوغان، بیش از هر چیز افزایش قدرت «حاکم» در این کشور را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد مهم‌تر از وجود وضعیت اضطراری در یک نظام سیاسی، تصمیم‌گیری درباره اعلام چنین وضعیتی است که به وضوح توضیح‌دهنده میزان قدرت حاکم است. اهمیت بررسی وضعیت فوق‌العاده از سوی دولت‌های مدرن، از آنجا که به طور مستقیم زیست سیاسی<sup>۱</sup> شهروندان را نشانه می‌رود، حائز اهمیت و شایسته بررسی است.

در این باره می‌توان پژواکِ طنینِ نظریه‌پردازانی چون کارل اشمیت و جورجو آگامبن را در این وضعیت ویژه پیگیری نمود. حاکم، تصمیم‌گیرنده واقعی درباره اعلام وضعیت اضطراری است؛ موقعیتی که به واسطه آن می‌توان مخالفان را بدون هراس از محدودیت‌های قانونی، از سپهر سیاسی حذف نمود. اشمیت، با تجربه جمهوری وایمار در آلمان به گونه‌ای شهودی دریافت حاکم کسی نیست که در رأس سلسله مراتب قانون‌گذاری وجود دارد؛ بلکه کسی است که تصمیم می‌گیرد؛ آن هم نه در وضعیت عادی؛ بلکه در وضعیت فوق‌العاده که بسا مهم‌تر و اصیل‌تر از وضعیت عادی است. آگامبن نیز برای تأکید بر اهمیت حقوقی- سیاسی وضعیت استثنا با رجوع به تاریخ، نهاد رومی یوستیتیوم<sup>۲</sup> در عهد باستان را به مثابه کهن‌الگوی وضعیت استثنا مطرح می‌کند. این واژه به معنای وقفه و یا تعلیق در قانون است و ریشه تاریخی آن به اعلام وضعیت بحرانی از سوی سنا برمی‌گردد. یوستیتیوم در واقع دال بر مواردی است که تحت شرایط استثنایی و فوق‌العاده، قید و بندهایی که قانون بر عمل صاحب منصبان اجرایی تحمیل می‌کند، موقتاً برچیده

---

1. biopolitical  
2. iustitium

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۲۳

می‌شود (آگامبن، ۱۳۹۵: ۹۴). این نهاد اشاره صریحی به تعلیق قانون و بی‌اثر شدن تمام ضوابط و احکامی قانونی در نظام سیاسی رم باستان دارد. باید اشاره نمود در نزد نظریه‌پردازان استثنای سخن از تعلیق قانون و نه منسوخ شدن آن است؛ یعنی حاکم، قانون و نهاد قانونگذاری را نسخ و منحل نمی‌کند؛ بلکه آن را برای مدتی که غالباً نامعلوم است، معلق می‌کند. یوستیتیوم هم بر همین معلق سازی قانون بر اساس حکم سنا دلالت دارد. با عنایت به تفاوت میان نسخ و تعلیق قانون، آگامبن وضعیت فوق‌العاده مدرن را، مولود سنت دموکراتیک انقلابی و نه محصول استبداد مطلقه می‌داند (آگامبن، ۱۳۹۵: ۲۶). به نظر می‌رسد ترکیه در وضعیت کنونی بی‌شبهت به این کهن الگوی باستانی نیست. از یک سو، جامعه مدنی قدرتمند در ترکیه، هرگونه عدول از قانون را از سوی نظام سیاسی نمی‌پذیرد. از طرف دیگر، رهبر سیاسی ترکیه با حضور گرایش‌های متناقض در این سرزمین نمی‌تواند قدرت خود را به‌گونه‌ای تام و تمام بر همه شهروندان ترک اعمال نماید. درحقیقت، اعلام وضعیت اضطراری در ترکیه بر گسستی میان هنجار و کاربست آن یا به عبارت بهتر، شکاف میان قانون و واقعیت استوار است و بر این امر دلالت دارد که چگونه یک مقام مافوق قانون می‌تواند قانونی عمل کند. بنابراین، وضعیت فوق‌العاده نوعی ضرورت انضمامی نیست که نشان‌دهنده محدودیت‌های قانونی باشد؛ بلکه توسط خود قدرت حاکم ایجاد می‌شود تا قانون طبیعی و نوموس بنیادی‌تری را تثبیت و تصریح سازد که به واسطه آن نه فقط ضرورت حاکمیت به‌عنوان مجری قانون؛ بلکه پیش از آن، ضرورت حاکمیت به‌عنوان موجودیتی در مرز قانون و بی‌قانونی - که یک پا در قانون دارد و یک پا بیرون آن - اثبات می‌شود. این جدایی میان قانون و کاربرد آن، هرگز به‌منزله غیاب قانون نیست؛ بلکه نشان‌دهنده بالقوگی محض و استعداد نهانی قانون و تعالی آن از خویش است. به عبارت بهتر، اردوغان با اعلام وضعیت اضطراری (بخوانیم استثنایی) نه تنها قانون را لغو نمی‌کند؛

بلکه با فراوری از آن، هم به سنت‌های دموکراتیک کشورش وفادار می‌ماند و هم حلقه انحصار قدرت را تنگ‌تر می‌نماید.

### چارچوب نظری

وضعیت استثنایی، یکی از مفاهیم مدرن اندیشه سیاسی است که در بازخوانی تاریخ باستان، مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه این وضعیت بر وضعیت نامتعادل میان حقوق عمومی و امر سیاسی دلالت دارد؛ اما می‌توان تفاوت‌های معناداری را میان کاربرد این واژه در میان متفکران اندیشه سیاسی غرب یافت. کارل اشمیت<sup>۱</sup> و جورجو آگامبن<sup>۲</sup> دو نفر از مشهورترین نظریه‌پردازان وضعیت فوق‌العاده هستند، که از نظریات خود برای نقد دولت مدرن سود جست‌ه‌اند.

اشمیت، وضعیت استثنا را وضعیتی اصیل دانسته که تصمیم‌گیری در آن موقعیت، نشان می‌دهد چه کسی در نظام سیاسی انحصار اخذ واپسین تصمیم را دارد. بر این اساس هرگونه تلاش برای حذف آنتاگونیسم از عرصه سیاست نابخردانه و غیرممکن جلوه می‌کند؛ زیرا در نهایت واقعیت‌های ناخوشایند سیاست خود را بر همگان تحمیل خواهد کرد.

آگامبن با نقد موقعیت حقوقی وضعیت استثنا، آن را وضعیت خلأگونه می‌داند؛ وضعیتی که ناشی از تعیین ناپذیری این مفهوم است. آگامبن با جستجو در یونان باستان با موقعیت‌های خلأگونه‌ای روبه‌رو می‌شود که در زندگی مدرن امروز نیز قابل مشاهده است. او از فرد هوموساگر سخن می‌گوید که در نظام حقوقی رم، فردی رها شده و بیرون از نظم حقوقی است، که کشته شدن او قتل یا قربانی به حساب نمی‌آید. آگامبن معتقد است هوموساگر را می‌توان امروزه در دولت‌های مدرن دید. او از قوانین ایالات متحده نمونه

---

1. Carl Schmitt  
2. Giorgio Agamben

«هوموساگرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۲۵

می‌آورد و به فرمان کمیسیون‌های نظامی در آمریکا اشاره می‌کند که مجوز بازداشت نامحدود و محاکمه اتباع خارجی مشکوک به دست‌داشتن در فعالیت تروریستی و یا طالبان را در اختیار دارند. به نظر آگامبن، افراد مشکوک از نظر قانون افرادی هستند که حاکمیت می‌خواهد آنها را خارج از نظم حقوقی جای دهد، آنها نه اسیر و نه متهم؛ بلکه صرفاً بازداشتی‌اند. در حقیقت، شهروندان عصر مدرن، نه سوژه که ابژه‌هایی خارج از نظم حقوقی هستند. با این اوصاف، چگونه می‌توان از برتری دولت مدرن سخن گفت؛ دولتی که می‌کوشد با انقیاد بر حیات برهنه انسان‌ها بر آنها سیطره یابد. به نظر می‌رسد، اشمیت و آگامبن علی‌رغم تفاوت در تعریف وضعیت استثنا، در نقد دولت مدرن با یکدیگر همداستان‌اند. اشمیت تقلیل‌گرایی لیبرالی و تلاش برای فروکاهش آنتاگونیسم موجود در امر سیاسی به امور اقتصادی و اخلاقی را نکوهش می‌کند و آگامبن، تمامت خواهی دولت مدرن به ظاهر لیبرال را که با خلق وضعیت فوق‌العاده می‌کوشد، آزادی افراد را به بهانه مصلحت آنان زیر پا نهد، سرزنش می‌نماید.

اشمیت برای دوری جستن از این دور باطل، تمایزی را طرح می‌سازد که تمام اعمالی را که دارای معنای سیاسی هستند، منبعث از آن تلقی می‌نماید. این تمایز ویژه سیاسی که اعمال و انگیزه‌های سیاسی را می‌توان به آن احاله کرد، تمایز میان دوست و دشمن است. اشمیت برای فهم بهتر این تمایز معتقد است که «مفاهیم دوست و دشمن را باید در معنای انضمامی و وجودی آنها فهمید و نه در معنای استعاری یا تمثیلی» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۲۵). دشمن همان دیگری است که به لحاظ وجودی چیزی متفاوت و بی‌نهایت بیگانه است و از این رو، در وضعیتی نهایی یا مخاطره برانگیز تعارض یا جنگ با او محتمل است. «دشمن فقط دشمن عمومی است.» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۲۶) با روشن شدن این تمایز اشمیت به سراغ تعریف خود از دولت می‌رود. از نظرگاه اشمیت، دولت همان موجودیتی است که در باب تمایز دوست-دشمن تصمیم می‌گیرد. پس از بیان این خصیصه کلی

دولت، اشمیت با افزودن جمله‌ای این تعریف را محدودتر می‌سازد: «آنچه همواره اهمیت دارد، این است که امکان به‌وقوع پیوستن وضعیت اضطراری و تصمیم در باب اینکه آیا چنین وضعی فرارسیده یا نه، وجود دارد.» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۳۵). اشمیت پس از این فقرات رسماً اعلام می‌کند: «حاکم کسی است که در باب استثنا تصمیم می‌گیرد.» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۴۹). در واقع، از آنجا که دولت می‌تواند فراهم‌کننده وحدت باشد، از این رو، مشروعیت لازم برای اتخاذ تصمیمی است که در درجه اول باید گرفته شود (Norris, 2005: 896).

از نظر اشمیت، حاکم کسی نیست که در رأس سلسله مراتب قانون‌گذاری وجود دارد؛ بلکه کسی است که تصمیم می‌گیرد؛ آن هم نه در وضعیت عادی؛ بلکه در وضعیت فوق‌العاده که بسا مهم‌تر و اصیل‌تر از وضعیت عادی است. بر همین مبنا، همانند اراده الهی که می‌تواند قوانین طبیعی را به کناری نهد و معجزه رخ دهد، فرمانروا نیز می‌تواند قوانین را وانهاد و درخصوص وضعیت استثنا تصمیم گیرد. درحقیقت، اشمیت از وبر و هابز که ویژگی فرمانروایی را کاربرد انحصاری زور و قهر می‌دانستند، فراتر می‌رود و مفهوم «انحصار در واپسین تصمیم» را در تعریف مدنظر خود از دولت مطرح می‌نماید. به باور اشمیت، فرد تصمیم‌گیرنده در وضعیت فوق‌العاده گوهر و اصل حاکمیت است. وی صحبتی از قدرت و یا حق نمی‌کند؛ بلکه آن قوه سیاسی را حاکم می‌شمارد که درباره تعیین و اعلام وضعیت فوق‌العاده تصمیم می‌گیرد و می‌تواند حداقلی از نظم حقوقی را ایجاد کند (ملائکه، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

وضعیت فوق‌العاده به‌نظر وضعیتی متناقض‌نما می‌آید. نخستین پارادوکس وضعیت استثنا در نسبت بین حاکم و نظام حقوقی معنا می‌یابد؛ وضعیتی متناقض‌نما که مشخص نیست حاکم در درون نظم حقوقی یا خارج از آن جای می‌گیرد. اگر حاکم حقیقتاً همان کسی است که نظام قانونی قدرت اعلام وضعیت فوق‌العاده و در نتیجه، تعلیق اعتبار و اساس موجودیت نظام را به او اعطا می‌کند، پس حاکم بیرون از نظم قانونی معتبر است و

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۲۷

با این حال، به آن تعلق دارد؛ زیرا تصمیم‌گیری در این مورد که آیا قانون اساسی باید در کل تعلیق گردد، به عهده اوست. این پارادوکس را می‌توان به این صورت نیز بیان نمود: «قانون بیرون از خودش است» یا «من، شخص حاکم، که بیرون از قانون‌ام، اعلام می‌کنم که هیچ چیزی بیرون از قانون نیست» (Agamben, 1998:17).

دومین پارادوکس وضعیت استثنای جدایی‌ناپذیر قانونی از تصمیم است. حاکم، به مثابه دارنده انحصاری حق واپسین تصمیم، در وضعیت استثنا اثبات می‌کند که برای قانون‌گذاری ابتدا و اتکا بر قانون الزامی نیست. اشمیت بر این باور است:

«همه قوانین موقعیت‌مندند. حاکم موقعیت را ایجاد و آن را در کلیتش تضمین می‌کند و اوست که انحصار این تصمیم نهایی را برعهده دارد و همین وضع است که اساس حاکمیت دولت را تشکیل می‌دهد که باید از لحاظ حقوقی درست تعریف شود؛ یعنی به مثابه قدرت انحصاری در تصمیم‌گیری و نه انحصار در حکومت‌کردن و به‌کاربردن زور. استثنا به روشن‌ترین شکل ممکن جوهر اقتدار دولت را باز می‌نماید. در اینجا تصمیم از هنجار قانونی جدا می‌شود و اقتدار به شیوه‌ای متناقض‌نما برای تدوین قانون اثبات می‌کند که برای تقنین به ابتدای آن بر قانون نیازی نیست» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۵۵).

اشمیت با آگاهی وضعیت پارادوکسیکال موقعیت استثنا، نه تنها آن را از ذیل قواعد حقوقی خارج نمی‌سازد؛ بلکه آن را بسا مهم‌تر از قاعده می‌داند. «استثنا جالب‌تر از قاعده است. قاعده چیزی را اثبات نمی‌کند؛ اما استثنا اثبات‌کننده همه چیز است: نه فقط تأییدکننده قاعده است؛ بلکه مؤید هستی آن هم هست که فقط از استثنا برمی‌آید» (اشمیت، ۱۳۹۰: ۵۷). به نظر اشمیت، در این وضعیت فوق‌العاده اصیل، تصمیم حاکم بر هنجارها و نرم‌های اجتماعی نیز غلبه می‌یابد (Weber, 1992: 10). با این نظر، نظام حقوقی در یک وضعیت

فوق‌العاده می‌تواند خودش را کنار بگذارد و این، آن پارادوکسی است که به باور اشمیت خردگرایان نمی‌توانند بپذیرند.

جورجو آگامبن با نقد وضعیت فوق‌العاده اشمیت و نمایان‌ساختن وجه پارادوکسیکال آن، تعریفی دیگرگون از وضعیت استثنا ارائه می‌دهد. آگامبن وضعیت فوق‌العاده را مرحله عدم توازن میان حقوق عمومی و واقعیت سیاسی مثل جنگ داخلی، قیام مسلحانه و مقاومت می‌داند، که در حواشی مرزهای نادقیق و غیرقطعی حقوق و سیاست، در نقطه تلاقی این دو قرار می‌گیرد (آگامبن؛ به نقل از فونتانا و بونت، ۲۰). بر اساس سنت اندیشگانی غرب، وضعیت فوق‌العاده در یک تقابل توپوگرافیک یا در درون نظام حقوقی و یا بیرون از نظام حقوقی جای می‌گیرند. گروه نخست، وضعیت فوق‌العاده را جزء لاینفک و لازم قانون موضوعه می‌دانند؛ چون ضرورتی که مبنای وضع آن بوده، به مثابه منشاء مستقل و خودمختار قانون عمل می‌کند؛ حال آن که گروه دوم وضعیت فوق‌العاده و ضرورت مبنای آن را عناصری ماهیتاً فراحقوقی و واقعی می‌دانند، ولو اینکه تبعاتی هم در حیطه قانون داشته باشد (آگامبن، ۱۳۹۵: ۵۷). آگامبن بر آن است که در سیاست معاصر وضعیت فوق‌العاده در معنای شرایط تعلیق قانون، به قاعده تبدیل شده است. در چنین شرایطی، قانون دارای نیروست؛ بدون آنکه درونمایه و یا اینکه معنای جوهرینی داشته باشد. در حقیقت، وضعیت استثنای نیروی قانون فاقد اهمیت یا نفوذ است. این وضعیت فوق‌العاده قاعده حاکمیت است (Agamben, 2000: 113). از نظر آگامبن، وضعیت استثنا نوعی حذف<sup>۱</sup> است. اما این طور نیست که آنچه حذف می‌شود، به واسطه حذف شدن، مطلقاً فاقد هر رابطه‌ای با قاعده عام باشد؛ بلکه برعکس، آنچه در استثنا حذف می‌شود، خود را در نسبت با قاعده برپا نگه می‌دارد؛ آن هم در هیأت تعلیق قاعده (Agamben, 1998: 18).

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۲۹

آگامبن نهاد رومی یوستیتیوم<sup>۱</sup> در عهد باستان را به مثابه کهن‌الگوی وضعیت استثنا مطرح می‌کند. این واژه به معنای وقفه و یا تعلیق در قانون است و ریشه تاریخی آن به اعلام وضعیت بحرانی از سوی سنا برمی‌گردد. یوستیتیوم در واقع دال بر مواردی است که تحت شرایط استثنایی و فوق‌العاده، قیدوبندهایی که قانون بر عمل صاحب منصبان اجرایی تحمیل می‌کند، موقتاً برچیده می‌شود (آگامبن، ۱۳۹۵: ۹۴). این نهاد اشاره صریحی به تعلیق قانون و بی‌اثر شدن تمام ضوابط و احکام قانونی در نظام سیاسی رم باستان دارد؛ وضعیتی که در آن قانون و نهاد قانون‌گذاری معلق می‌شود. بر همین اساس، آگامبن مدعی می‌شود برخلاف دوران حکومت‌های مطلقه که پادشاه قانون را نسخ و دستگاه قانونگذار را منحل می‌ساخت، در دوران مدرن، وضعیت فوق‌العاده چنین کارویژه‌ای را با تعلیق قانون ایجاد می‌کند (آگامبن، ۱۳۹۵: ۲۶).

در سنت پیشامدرنی، یک قاعده انکارناپذیر وجود دارد: «اضطرار قانون ندارد». اشمیت از این همانی وضعیت استثنایی<sup>۲</sup> با وضع اضطراری<sup>۳</sup> ابا دارد و وضعیت فوق‌العاده را از طریق ارجاع به مفهوم حاکمیت قابل فهم می‌داند؛ مفهومی که به وضوح متعلق به دوران جدید است. آگامبن هم بر همین سیاق، معتقد است فقط نزد مدرن‌هاست که وضعیت اضطراری به سمت گنجانده شدن در نظام حقوقی میل می‌کند و به مثابه وضعیت اصلی و راستین قانون جلوه‌گر می‌شود. در حقیقت، در این تلقی از وضعیت استثنایی (اینکه) اضطرار وضعیتی یکه و منحصر به فرد است که قانون قدرت الزام‌آور خود را از دست می‌دهد، وارونه و تبدیل به اصلی می‌شود که بنابر آن اضطرار به اصطلاح به شالوده اصلی و منشاء حقیقی قانون شکل می‌دهد (آگامبن، ۱۳۹۵: ۶۲). به عبارت بهتر، آگامبن و اشمیت در مورد آستانه‌ای بودن مفهوم وضعیت استثنا با یکدیگر اشتراک نظر دارند؛ اما برای آگامبن در این

- 
1. iustitium
  2. Ausnahmezustand
  3. Notstand

وضعیت برزخ‌گونه واقعیت و قانون در یکدیگر مستحیل شده، نوعی آستانه تصمیم‌ناپذیری<sup>۱</sup> شکل می‌گیرد که در آن امر واقع و قانون در یکدیگر خلط می‌شوند. بر همین مبنا، آگامبن از تحویل وضعیت فوق‌العاده به وضع اضطراری می‌پرهیزد؛ با این توجیه که نه تنها اضطرار چیزی جز تصمیم نیست؛ بلکه آنچه درباره‌اش تصمیم می‌گیرد نیز در حقیقت چیزی تصمیم‌ناپذیر در واقعیت و قانون است.

مسئله اصلی آگامبن رابطه بین حقوق و زندگی است که در این میان به نقد حاکمیت برای انقیاد زیست سیاسی شهروندان می‌پردازد. آگامبن در مقدمه کتاب هوموساکر به یک تفاوت واژگانی مهم اشاره می‌کند. یونانیان برای حیات<sup>۲</sup> از دو واژه zoe که حاکی از حیات ساده و مشترک در بین جانوران و آدمیان و خدایان بود و bios که نشانگر شکل خاص و ممتازی از زیستن بود، استفاده می‌کردند. سیاست معطوف به سعادت تنها مبتنی بر bios بود و zoe در درون آن قرار نمی‌گرفت. تفاوت zoe با bios مانند تفاوت صوت با زبان است. در گذر از صوت که نشانه درد و لذت است و در بین دیگر جانوران مشترک، به زبان که منحصراً ویژگی آدمی است، در واقع نوعی حذف ادغامی صورت می‌گیرد، برای گذر از zoe به bios نیز چنین حذف ادغامی رخ می‌نماید و اتفاقاً با زبان گره می‌خورد. در یونان باستان سیاست به bios تعلق می‌گرفت که قابلیت اضافی برای انسان و مبتنی بر تجربه هستی سیاسی است؛ اما در دنیای مدرن، zoe موضوع سیاست شده است. سیاست در این معنا؛ یعنی کنترل، نظارت و تولید بدن یا به تعبیر فوکو سیاست تبدیل به زیست سیاست شده است (Agamben, 1988: 9-11). همین جابه‌جایی واژگانی مرکز نقد آگامبن به دولت مدرن است.

---

1. Threshold of undecidability  
2. life

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۳۱

آگامبن به عنوان یک متفکر پسا فوکویی، به فراروی از فوکو و ترکیب نظریات او با رویکرد سیاسی حقوقی شناخته می‌شود (نجف زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۱). آگامبن تحت تأثیر فوکو بر بدن و زیست شهروندان تأکید ویژه‌ای دارد. در نظر فوکو، آستانه مدرنیته زیست شناختی یک جامعه در همان نقطه‌ای قرار دارد که در آن گونه و فرد در مقام یک بدن زنده محل نزاع استراتژی‌های سیاسی آن جامعه می‌شوند (Agamben, 1998: 10). ادغام حیات برهنه در قلمروی سیاسی بر سازنده هسته آغازین - ولپوشیده - قدرت حاکم است؛ حتی می‌توان گفت که تولید یک بدن زیست - سیاسی همان دستاورد آغازین قدرت حاکم است. در این معنا سیاست زیستی به اندازه استثنای حاکم قدمت دارد. به عبارت دیگر، حاکم با سیاسی کردن بدن شهروندان و پیوند زدن سرنوشت زندگی آنان با تصمیمات خود، گونه‌ای از پیوند میان سیاست و زیست شهروندان را آشکار می‌سازد. از این رو، دولت مدرن با قرار دادن حیات زیست شناختی در کانون محاسباتش کاری نمی‌کند؛ مگر افشای پیوند مخفی‌ای که قدرت و حیات برهنه را به هم گره می‌زند (Agamben, 1998: 11).

در نگاه آگامبن، زیست قدرت، قدرتی است مبتنی بر حیات برهنه که با قابلیت کشته شدن تعریف می‌شود. آگامبن معتقد است تئوری حاکمیت اشمیت نیز متعلق به واژگان زیست سیاسی است. وی با ذکر این نقل قول از اشمیت که: «مردم در حال حاضر از یک جمعیت سیاسی به توده تبدیل شده‌اند، یک نهاد بیولوژیک جمعیتی» نشان می‌دهد چگونه حاکمیت مورد نظر اشمیت، کوشیده زیست سیاسی مردم را غیرسیاسی کرده، از آنان توده‌ای خنثی بسازد؛ اما رهیافت آگامبن بسیار متفاوت با اشمیت است. او درصدد جذب مفاهیم زیست سیاسی به یک نظم حقوقی - سیاسی است که آن را در کتاب هوموساکر<sup>۱</sup> به خوبی نشان داده است (luissetii, 2011: 49). آگامبن بر آن است که زیست - قدرت و حاکمیت از بنیاد با یکدیگر پیوند دارند و تولید بدن زیستی فعل اصلی قدرت

حاکمه است (Agamben, 1998: 6). او در نخستین جملات کتاب هوموساکر، به تفاوت معنای زیستن در دولت شهرهای یونانی اشاره کرده، وجه تمایز آن را از دموکراسی‌های مدرن نه در ادغام حیات زیستی - سیاسی به گسترده‌ترین حالت در عرصه سیاسی؛ بلکه در پیوند حاکمیت با بدن و زیست شهروندان می‌داند (Agamben, 1998: 6). به باور آگامبن، وضعیت استثنایی، که البته امروز به قاعده سپهر سیاست تبدیل شده، و حیات برهنه که عرصه خشونت‌ی همه‌گیر است، به‌گونه‌ای بی‌واسطه با حاکمیت در ارتباط است. فعل بنیادین حاکمیت، تولید حیات برهنه به مثابه عنصر سیاسی و اصیل است.

آگامبن، انسانِ نوعیِ چنین وضعیتی را با ارجاع به چهره‌ای حقوقی در روم باستان یعنی «هوموساکر» به معنای انسان قدسی، تصویر می‌کند. هوموساکر کلمه‌ای است که از یک رساله حقوقی نوشته پومپیوس فستوس، لغت‌شناس رومی گرفته شده است. در منظومه فکری آگامبن، فرد هوموساکر، معرف وضعیت فوق‌العاده است. در حقیقت، این واژه برای اشاره به کسانی به کار رفته که در سال‌های اولیه امپراتوری به مرگ محکوم شده بودند؛ اما کشتن آنها نه به گونه‌ای مقدس تجلی قربانی شدن و نه در صورت منفی قتل به حساب می‌آمد. کسی که هوموساکر را می‌کشد، گرفتار مجازات حقوقی‌ای نمی‌شود و بدین لحاظ، زندگی هوموساکر به شکلی نامحدود در معرض «قدرت نامشروط مرگ» قرار دارد. بنابر منطق وضعیت استثنایی، قلمرو حاکمیت، قلمروی است که در آن، کشتن، نه ارتکاب به قتل در نظر گرفته می‌شود و نه تجلیل قربانی در آن مجاز است (Agamben, 1998). به عبارت بهتر، فرد هوموساکر در یک وضعیت خلاگونه رها شده است و در معرض خشونت عریان حاکم قرار دارد.

با پیوند حیات برهنه فرد با خشونت عریان حاکمیت، آگامبن پارادوکس وضعیت استثنا را بار دیگر مطرح می‌کند. درحقیقت، رابطه بین قدرت حاکم و حیات برهنه موضوع اساسی وضعیت فوق‌العاده در انگاره آگامبن است که در آن «هوموساکر» مفهومی مرکزی

«هوموساگرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۳۳

است (Ellermann, 2009: 2). فرد هوموساگر نه در درون و نه در بیرون از نظم سیاسی جای می‌گیرد، دقیقاً مشابه وضعیت فوق‌العاده که نه متعلق در درون و نه در بیرون نظم حقوقی جایی ندارد. این درحالی است که اشمیت همان‌گونه که وضعیت استثنا را وضعیتی وجود دهنده به دولت و یک وضعیت اصیل می‌پندارد، درباره زیست سیاسی شهروندان نیز نظری قاطع دارد. به باور او:

دولت در حکم یک موجودیت سیاسی بنیادین، قدرتی عظیم دارد: امکان مبادرت به جنگ و از این رو ستاندن جان انسان‌ها. حق اعلام جنگ دربرگیرنده چنان خصلتی است. این حق مستلزم امکانی دوگانه است: حق مطالبه از اعضای خود برای آمادگی برای مردن و کشتن بی‌تأمل دشمنان. کوشش یک دولت در وضعیت عادی فراتر از هر چیزی، در جهت تضمین صلحی همه‌گیر درون دولت و سرزمین است [این خود یک هنجار است]...؛ اما هیچ هنجاری در شرایط غیرعادی معتبر نیست (تأکید از ماست) (اشمیت، ۱۳۹۲: ۷۱).

درحقیقت، اشمیت وضعیت فوق‌العاده را یک وضعیت قانونی می‌داند و نه فراقانونی یا خلاگونه؛ به همان ترتیب، زیست سیاسی شهروندان در وضعیت اصیل استثنا وابسته به تصمیم حاکمیت باقی می‌ماند.

آگامبن بر این باور است به همان صورت که معنای زندگی در دوران مدرن در مقایسه با یونان باستان متحول شده است، دال زیست انسانی نیز دچار تحولی شگرف شده است. به نظر او، معادل دولت‌شهر یونانی در دوران مدرن اردوگاه<sup>۱</sup> است. او در مقاله «اردوگاه چیست» می‌نویسد:

اردوگاه بهترین مکان برای شناسایی عصر جدید است؛ زیرا در اردوگاه حوزه عمومی - خصوصی مفهوم و تمایز خود را از دست می‌دهد و بدن در تمامیت خود به کنترل حاکمیت درمی‌آید. درواقع، اردوگاه مکانی است که تعلیق قانون و تبدیل استثنا به قاعده را عینیت می‌بخشد و سیاست زیستی به مطلق‌ترین شکل خود رخ می‌نماید و بی‌واسطه با حیات بیولوژیک رودررو می‌شود (agamben, 2000: 40)

در این معنا سیاست ورزی‌های امروزی چیزهای جز مدیریت zoe و حیات برهنه نیست و دولت‌ها خود را ملزم به مدیریت حیات بیولوژیک ملت می‌دانند. سیاست‌های جمعیتی که به خصوصی‌ترین حریم انسان‌ها وارد می‌شوند و به کمک نهادهای مختلف؛ به‌ویژه پزشکی کوشش می‌کنند تولید مثل انسان‌ها را که به حیات زیستی آنان مربوط می‌شود، به کنترل درآورند؛ نمونه آشکاری است که ماهیت دولت‌ها را نمایان می‌سازد. درواقع، در دموکراسی‌های مدرن، حیات برهنه در عین جدابودگی‌اش با محو تدریجی مرزهایش خود در شهر آزاد می‌شود و هم سوژه و هم ابژه همه نزاع‌های سیاسی می‌شود. از این منظر ادغام حیات برهنه<sup>۱</sup> و تولید بدن زیست سیاسی هسته اصلی قدرت حاکم است و آدمی خود را در مقام جانوری می‌یابد که سوژه قدرت سیاسی شده است. دموکراسی‌های مدرن کوشش می‌کنند تا bios خود را بر zoe یا حیات برهنه برپا کنند و معضل آنها دقیقاً در همین نقطه است؛ زیرا دموکراسی‌های مدرن می‌کوشند آزادی و خوشبختی انسان‌ها را در همان نقطه‌ای بنا نهاد که معرف انقیاد آنهاست (Agamben, 1998: 168-169). آگامبن، اردوگاه را مشابه وضعیت استثنا و فرد هوموساگر، در منطقه‌ای آستانه‌ای و خلاف‌گونه می‌بیند که نه در درون و نه بیرون نظم حقوقی سیاسی جای می‌گیرند. هراس آگامبن از این است که وضعیت فوق‌العاده به‌گونه‌ای جوامع انضباطی بینجامد و آزادی شهروندان فدای

---

1. Naked or bare life

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۳۵

مصلحت عمومی شود. او معتقد است: وضعیت فوق‌العاده به‌طور روزافزونی رو به آن دارد که به پارادایم اصلی حکومت در سیاست معاصر بدل شود. این تبدیل وضعیت فوق‌العاده از تمهیدی موقتی و استثنایی به تکنیکی حکومتی ساختار و معنای تمایز سنتی میان اشکال قانون اساسی را در معرض استحاله‌ای ریشه‌ای قرار می‌دهد. در واقع، این استحاله پیشاپیش به‌طور محسوس رخ داده است. از این منظر، وضعیت فوق‌العاده عملاً آستانه تعیین‌ناپذیری میان دموکراسی و استبداد مطلقه جلوه‌گر می‌شود (آگامبن، ۱۳۹۵: ۲۲).

### تاریخ قانون اساسی و جایگاه وضعیت فوق‌العاده در نظام حقوقی ترکیه

تاریخ تدوین قانون اساسی در ترکیه معمولاً به سه دوره تقسیم می‌شود:

۱. دوره اول ۱۸۷۶-۱۹۲۱

۲. دوره دوم ۱۹۲۱-۲۰۱۱

۳. دوره سوم بعد از ۲۰۱۱

نخستین قانون اساسی ترکیه در اواخر امپراتوری عثمانی در سال ۱۸۷۶ میلادی و تحت تأثیر موج آزادی‌خواهی ناشی از انقلاب‌های مردمی در اروپا و آمریکا و به‌ویژه انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹، موسوم به مشروطیت اول، توسط سلطان عبدالحمید دوم تدوین شد (Topukcu, 2014: 2) که بیشتر متأثر از قانون اساسی فرانسه بود و آزادی‌های قید شده در آن بی‌شبهت به قانون اساسی‌های اروپایی نبود؛ اما دیری نپایید که پادشاه عثمانی به بهانه جنگ با شوروی اجرای آن را به حالت تعلیق درآورد؛ اما فعالیت‌های روشنفکری و حاکمیت قانون توسط گروهی از روشنفکران در امپراتوری عثمانی، از جمله مدحت پاشا و همفکران او ادامه یافت و به مشروطیت دوم در امپراتوری عثمانی و تدوین قانون اساسی در سال ۱۹۰۸ منجر شد. در این قانون بر حکومت مجلس تأکید و در آن اختیارات شاه محدود و اختیار قانونگذاری به مجلس داده شده بود. افزون بر

این، حقوق سیاسی مردم به رسمیت شناخته شد. این مرحله مهم در قانون اساسی‌گرایی ترکی محسوب می‌شود و به عنوان گام‌های اولیه برای تدوین قانون اساسی، علی‌رغم کارشکنی‌های سلطان عثمانی قابل ستایش است (Topukcu, 2014: 3-4).

مدت زیادی از عمر مشروطیت دوم نگذشته بود که امپراتوری عثمانی وارد جنگ جهانی اول شد و به دلیل وجود حالت فوق‌العاده در کشور، عملاً شرایط اجرای این قانون اساسی ممکن نشد. در این شرایط، قدرت نظامی امپراتوری عثمانی به علت ضعف و پریشانی ناشی از جنگ‌های طولانی در اروپا و مستعمرات خود تحلیل و فرسایش یافته و از طرف دیگر، مستعمرات واقع در بالکان نیز به دلیل موج جدید انقلاب‌های رخ داده در اروپا و امریکا، به تدریج استقلال خود را اعلام کردند که نتیجه آن فروپاشی امپراتوری عثمانی بود. در این زمان، مصطفی کمال پاشا آتاتورک (به‌عنوان افسر و فرمانده جنگی در ارتش امپراتوری عثمانی)، با ایده نجات کشور از دست بیگانگان و تشکیل یک کشور مستقل ترک، احساسات مذهبی و وطن‌پرستی مردم را برای مبارزه و نبرد با اشغالگران بسیج کرد و توانست در سال ۱۹۱۹، پس از نبردهای خونین با نیروهای اشغالگر خارجی، آنها را به عقب براند. بدین ترتیب، باقی‌مانده امپراتوری عثمانی توانست تحت عنوان کشور مستقل جمهوری ترکیه امروزی اعلام موجودیت کند و نخستین قانون اساسی جدید ترکیه با حضور نمایندگان گروه‌های مردمی از صفوف گوناگون، در سال ۱۹۲۱ به تصویب رسید. با توجه به اینکه قانون اساسی ۱۹۲۱، بسیار خلاصه و در چند ماده بیشتر نبود، دومین قانون اساسی جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۴ توسط مجمع بزرگ ملی<sup>۱</sup> منتخب مردم به تصویب رسید. این قانون اساسی به قانون اساسی سخت معروف<sup>۲</sup> است و نکته مهم در قانون اساسی جدید عبارت «حاکمیت ملی<sup>۳</sup>» بود که حکومت ترکیه را از سلطنت

1. Turkish grand national assembly

2. Rigid constitution

3. National sovereignty

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۳۷

به جمهوری تغییر داد (Topukcu, 2014: 5). از ویژگی‌های اساسی آن بنیانگذاری نظام لاییک به عنوان نظام حقوقی و سیاسی کشور بود که بر جدایی دین از سیاست و محوریت اراده ملی و نظام پارلمانی تأکید داشت. این قانون اساسی یکبار دیگر بر اثر کودتای ارتش در سال ۱۹۶۰ عوض شد. به عبارتی، نظام سیاسی ترکیه تا سال ۱۹۴۰، به صورت تک حزبی (حزب جمهوری خلق ترکیه که توسط آتاتورک بنیانگذاری شده بود) اداره می‌شد؛ اما از دهه ۱۹۴۰، احزاب دیگری نیز امکان حضور در صحنه سیاسی ترکیه را پیدا کردند که حزب دموکرات ترکیه به عنوان یکی از این احزاب توانست در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۵۰ پیروز شود و تا سال ۱۹۶۰؛ یعنی زمان کودتا توسط ارتش، اداره کشور را در دست داشته باشد؛ اما ژنرال‌های ارتش با کودتای ۱۹۶۰، به بهانه حفظ نظام لاییک، کمیته ملی تشکیل داده، کنترل دولت و مجلس را در دست گرفتند. این کمیته پیش‌نویس قانون اساسی جدید ترکیه را تدوین کرد و با همه‌پرسی قانون اساسی ۱۹۶۰، آن را جایگزین قانون اساسی ۱۹۲۴ کرد. این قانون اساسی اختیارات ویژه‌ای به نظامیان در اداره کشور می‌داد و نظام دو مجلسی (ملی و سنا) را بر کشور حاکم کرد. در سال‌های بعد، تداوم سایه قدرت نظامیان بر حیات سیاسی ترکیه به کودتای دیگری در سال ۱۹۸۰ انجامید و شورای امنیت ملی تشکیل شده توسط ژنرال‌ها، تدوین پیش‌نویس قانون اساسی را به عهده گرفت که در همه‌پرسی، پیش‌نویس آن در سال ۱۹۸۱ رأی آورد. در این قانون اساسی، قوه مقننه تک مجلسی، آزادی‌های سیاسی محدود و بار دیگر بر قدرت ارتش افزوده شد (غفاری و اکبری، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

دوره سوم که پس از سال ۲۰۱۱ در تاریخ قانون اساسی ترکیه حائز اهمیت است، با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه همراه است. در قانون اساسی ۱۹۸۱ قدرت رئیس جمهور به علت مشکلاتی که نظام پارلمانی برای ترکیه به ارمغان آورده بود، گسترده‌تر از قانون اساسی پیشین پیش‌بینی شده بود. می‌توان گفت پس از ۲۰۱۱ این روند

افزایشی اختیارات ریاست جمهوری ادامه یافته است. رجب طیب اردوغان در سال ۲۰۱۱ خواستار تغییر قانون اساسی شد، که بر اساس درخواست وی و سایر گروه‌های اقتصادی و اجتماعی، برخی مفاد قانون اساسی دچار تغییرات شگرفی شد. در این نوشتار، بر جایگاه وضعیت فوق‌العاده در این قانون تأکید خواهد شد.

بررسی وضعیت قانون اساسی فعلی ترکیه، از جایگاه والای وضعیت فوق‌العاده در آن حکایت دارد. در ماده ۱۵ قانون اساسی این کشور آمده است:

در شرایط جنگ، حالت آماده‌باش، حکومت نظامی و شرایط فوق‌العاده، با رعایت نظامات ناشی از حقوق بین‌الملل می‌توان حقوق و آزادی‌های اشخاص را کلاً و یا جزئاً متوقف ساخت، یا در این شرایط در مورد اصول مرتبط مقرر در قانون اساسی تدابیر دیگری اتخاذ نمود.

در ذیل ماده ۱۷ از فصل دوم قانون اساسی، که به بیان حقوق و تکالیف اشخاص همچون: حقوق بنیادین حق حیات، تعرض ناپذیری اشخاص و منع هر نوع شکنجه پرداخته است نیز قانون گذار بروز وضعیت فوق‌العاده را از نظر دور نداشته است. مواردی که در ذیل این ماده آمده است، در شرایط استثنایی از حکم پیگیری حقوق فردی مستثنا هستند و به عبارت بهتر، در این شرایط آزادی و حقوق افراد به حالت تعلیق در می‌آید:

«حالت دفاع مشروع، اجرای احکام مربوط به دستگیری و بازداشت، ممانعت از فرار یک فرد دستگیر یا بازداشت شده، سرکوب شورش و عصیان، وقوع قتل ناشی از اجرای امر آمر قانونی در زمان حکومت نظامی و شرایط فوق‌العاده» در زمره این موارد هستند که در نص قانون اساسی قابل مشاهده است.

نه تنها شرایط استثنایی در ترکیه معلق‌کننده آزادی‌های فردی است؛ بلکه می‌تواند به تغییر در احکام جزائی منجر شود. ماده ۱۹ در مورد افراد بازداشت شده یا دستگیر شده است که بر اساس این بند، دلایل دستگیری یا ادعاهای موجود علیه آنان «باید فوراً به

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۳۹

صورت کتبی و در صورت عدم امکان، به صورت شفاهی اعلام شود... افراد دستگیر شده باید حداکثر ظرف ۴۸ ساعت و در مورد جرایم ارتكابی جمعی ۴ روز، به نزدیک‌ترین دادگاه ارجاع داده شوند... مدت‌های مذکور در شرایط فوق‌العاده، حکومت نظامی و جنگ قابل تمدید هستند». اهمیت وضعیت فوق‌العاده در قانون اساسی ترکیه به اندازه‌ای است که با توجه به جایگاه دادگاه‌ها و قضات در نظام سیاسی ترکیه می‌تواند حکم دادگاه را نیز محدود سازد. «قانون در شرایط فوق‌العاده، حکومت نظامی، آماده باش و جنگ و همچنین به دلایلی چون: امنیت ملی، نظم عمومی و سلامتی جامعه می‌تواند حکم دادگاه را در مورد توقف امور اجرایی محدود سازد.» (اصل ۱۲۵، ق.ا. ترکیه)

پس از اهمیت وضعیت استثنایی، پرسش اصلی اشمیت این است که چه کسی صلاحیت اعلام این وضعیت را داراست. قانون اساسی ترکیه، در زمان برقراری حالت فوق‌العاده، رئیس‌جمهور را به عنوان قانونگذار اصلی مورد شناسایی قرار داده است که این امر نشان‌دهنده جایگاه والای ریاست جمهوری در این کشور است. ماده ۹۱ قانون اساسی بیان می‌دارد: «در حالت فوق‌العاده و برقراری حکومت نظامی، احکام مربوط به صدور تصویب‌نامه‌ها که توسط هیأت دولت به ریاست رئیس‌جمهور صادر می‌گردد، معتبر می‌باشند.» بر همین اساس، مسؤول اعلام وضعیت اضطراری در ترکیه رئیس‌جمهور است و از جمله وظایف و اختیارات اوست: اعلام حکومت نظامی، وضعیت فوق‌العاده و صدور تصویب‌نامه در حکم قانون. بر اساس اصل ۱۲۱ رئیس‌جمهور می‌تواند درباره موضوع‌هایی که در حالت فوق‌العاده ضروری محسوب می‌شوند، تصویب‌نامه‌هایی در حکم قانون تصویب کند.

جایگاه برتر ریاست جمهوری در قانون اساسی ترکیه، این پرسش اشمیتی را به یاد می‌آورد که بر اساس آن: «آیا رئیس‌جمهور در ترکیه فراقانونی است و یا درون نظم حقوقی مستقر جای می‌گیرد؟» درحقیقت، قانون اساسی که با هراس از «خدشه‌دار شدن

جدی نظم عمومی به‌خاطر وقوع حوادث و اقدامات شدید، با هدف از بین بردن نظام دموکراسی آزاد و محو حقوق و آزادی‌های مقرر در قانون اساسی» (اصل ۱۲۰ ق. ا. ترکیه) رئیس‌جمهور را مسؤول اعلام وضعیت اضطراری کرده است، آیا نسبت آن را با قانون تعریف کرده است یا خیر؟

با توجه به اینکه قانون اساسی ترکیه، راهکارهایی برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت اعلام وضعیت فوق‌العاده مشخص نکرده است، به‌نظر می‌رسد وضعیت پارادوکسیکال میان قانون و هنجار، که اشمیت بیان می‌دارد و آگامبن نسبت به آن هشدار می‌دهد، یکی از خلأهای موجود در قانون اساسی ترکیه باشد. در ادامه، به افزایش قدرت ریاست جمهوری در ترکیه با آغاز حکومت اردوغان و تشدید موقعیت متناقض‌نما در قانون اساسی ترکیه که احتمالاً به بازنگری در قانون اساسی منجر خواهد شد، پرداخته می‌شود.

### اردوغان و انحصار اخذ واپسین تصمیم

دولت در ترکیه و در قانون اساسی این کشور جایگاه بی‌بدیلی دارد. درحقیقت، یکی از شاخصه‌های اصلی محافظه‌کاری، ترک حمایت از دولت و تقویت آن است. دولت و ملت کلیتی ارگانیک به‌حساب می‌آیند و تنوع قومی و دینی در آن به‌ندرت تحمل می‌شود. دولت تا زمانی که از ارزش‌های ملت پاسداری کند، از حق انحصاری تعیین منافع ملی برخوردار است (یاووز، ۱۳۸۹: ۶۶). بر همین سیاق، می‌توان گفت رئیس‌دولت نیز در این نظام دارنده والاترین قدرت برای تصمیم‌گیری به‌طور اعم و اعلام وضعیت فوق‌العاده به صورت اخص است.

حزب «عدالت و توسعه» پس از به‌قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲، همواره به دنبال تغییر قانون اساسی بوده است (Karadut, 2011: 100). به‌این منظور، این حزب در سال

«هوموساگرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/۲۴۱

۲۰۰۷، پیش‌نویسی را تهیه کرد؛ اما در کسب حمایت اپوزیسیون ناکام ماند. در پی آن، الحاقیه‌های پیشنهادی این حزب، در یک همه‌پرسی با حمایت مردم روبه‌رو شد. این بسته پیشنهادی در ۲۰۱۰، با ۳۳۶ رأی مثبت تصویب شد. این تعداد رأی کمتر از اکثریت دوسومی پارلمان بود که می‌توانست آن را یکباره به تصویب برساند؛ اما همین قدر آرا کافی بود تا ظرف ۶۰ روز پس از امضای آن توسط رئیس‌جمهور، به یک همه‌پرسی عمومی گذاشته شود. به هر حال، در ۲۶ ماده اصلاحاتی صورت گرفت و به همه‌پرسی گذاشته شد که دربرگیرنده مسائل مختلف اجتماعی، حقوقی، سیاسی، مدنی و خدماتی بود (Topukcu, 2014: 10).

مقام ریاست جمهوری تا پیش از به قدرت رسیدن اردوغان، به دلیل نظام پارلمانی این کشور و اختیارات اجرایی نخست‌وزیر، تقریباً جایگاهی تشریفاتی بود؛ اما با ایجاد تغییراتی در قانون اساسی، ریاست جمهوری از جایگاه تشریفاتی به جایگاه اجرایی و قدرت اول کشور تغییر پیدا کرد. رجب طیب اردوغان، پس از ایجاد بن‌بست در انتخاب رئیس‌جمهور بر اساس قانون اساسی و ضمن کنار زدن گل، پا به عرصه انتخابات ریاست جمهوری گذاشت و توانست با اندکی بیش از ۵۱ درصد آراء، رئیس‌جمهور دوازدهم ترکیه و دومین رئیس‌جمهور برگزیده با انتخابات عمومی شود.

در موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی اردوغان نه تنها سیاست‌های حزبی؛ بلکه محبوبیت و شخصیت اردوغان نیز مهم ارزیابی می‌شود. نویسنده کتاب «سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه» در بررسی شخصیت اردوغان به عدم پایداری او به یک ایدئولوژی خاص و اقتدارطلبی او بارها اشاره می‌کند (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹ و ۲۱۰). استفن کینزر، نویسنده روزنامه نیویورک تایمز نیز در توصیف خود از شخصیت اردوغان می‌نویسد: او تعصبی آتشین نسبت به قدرت خود دارد و خود، نه حزب یا حکومتش را نیروی محرکه ترکیه امروزی می‌داند (Kinzer, 2004: 42).

به‌نظر می‌رسد وضعیت ملت‌هپ ترکیه از دهه ۷۰ تا ۹۰ میلادی، وقوع کودتاهای نظامی در این کشور، بحران اقتصادی دهه ۹۰، نزاع سکولارها و اسلامیت‌ها، مسأله بغرنج کردها و قومیت‌ها و مسائلی دیگر، نیاز به رهبری قدرتمند و کارآمد همچون اردوغان را برای مردم ترکیه توجیه‌پذیر کند؛ به‌گونه‌ای که انحصار اخذ واپسین تصمیم برای ریاست جمهوری امری موجه و عقلانی جلوه کند؛ اما اعلام وضعیت فوق‌العاده پس از کودتای ژوئیه ۲۰۱۶ در این کشور و بیشتر از آن ابهاماتی درخصوص ساختگی بودن کودتا، هراس آگامبنی از افزایش بیش از حد قدرت سیاستمداران، به نفع محدودساختن آزادی شهروندان و انقیاد آنان را به ذهن متبادر می‌سازد. افزایش قدرت اردوغان، ایجاد دوگانه‌سازی سیاسی، آمار بالای بازداشتی‌های اخیر و منتسب به کودتا، نشان می‌دهد چنین نگرانی‌ای بی‌دلیل نخواهد بود.

### تمایز دوست- دشمن پس از کودتا و ظهور هوموساکرهای نوین در ترکیه

بر اساس آنچه اشمیت می‌گوید، تمایز تعیین‌کننده امر سیاسی، شاقول جداسازی دوست-دشمن است. این تمایز، نه اقتصادی، مذهبی و زیباشناختی، که ریشه در اصالت سیاست و امر سیاسی دارد. بر همین اساس، می‌توان گفت دشمن فقط دشمن سیاسی است، که بر اساس خصومت با او اعلام وضعیت فوق‌العاده توجیه پذیر است. درحقیقت، برای اشمیت جوهره امر سیاسی، بر یک آنتاگونیسم عینی میان «ما» و «آنها»ی غیر از ما بنیان گذاشته شده است؛ آنتاگونیسمی که بر اساس آن دولت تنها در جایی امکان وجود دارد که یک برابر نهاد انضمامی دوست-دشمن وجود داشته باشد (خالقی و ملک زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

دوگانه خائن/ وفادار، همان تمایزگذاری مشخصی است که بر اساس آن قدرت حاکم در ترکیه خائنان یا کودتاچیان را به‌مثابه ابژه‌ای خارج از نظم حقوقی از سیاست حذف می‌کند. «آنها نه اسیر و نه متهم؛ بلکه صرفاً بازداشتی‌اند». اگر بخواهیم آگامبنی

«هوموساکرهای نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۴۳

بیندیشیم، آنان «هوموساکر»های نوین این دوران هستند. همان‌گونه که فرد هوموساکر در نظام حقوقی رم، فردی رهاشده و بیرون از نظم حقوقی است، که کشته‌شدن او قتل یا قربانی به حساب نمی‌آید، بازداشتی‌های کودتا نیز به همین سیاق، نه شهروندان سابق ترکیه و مستخدمان دولتی آن؛ که ابژه‌هایی بیرون مانده از نظم حقوقی این کشور به‌شمار می‌آیند. درحقیقت، وضعیت حقوقی آنان بر اساس قانون اساسی ترکیه مشخص نیست. در این قانون اشاره شده است که در هر وضعیت استثنایی، امکان تعلیق آزادی‌های فردی موجه است و این دستورهای رئیس‌جمهور است که به صورت تصویب‌نامه‌های قانونی تکلیف بازداشتی‌ها را مشخص می‌کند. آمار بالای بازداشتی‌ها و کسانی که از کار معلق شده‌اند، به نقل از خبرگزاری رویترز بالغ بر ۷۰ هزار نفر است (خبرگزاری فارس؛ به نقل از رویترز، سی‌ام تیرماه ۱۳۹۵). با توجه به اعلام وضعیت فوق‌العاده از سوی اردوغان، وضعیت حقوقی این افراد مشخص نیست و جایگاه آنان در نظم حقوقی موجود در ترکیه، در ابهام حقوقی - سیاسی قرار دارد.

آگامبن به روشنی از حضور فرد هوموساکر در دولت‌های مدرن سخن می‌گوید. او از قوانین ایالات متحده نمونه می‌آورد و به فرمان کمیسیون‌های نظامی در آمریکا اشاره می‌کند که مجوز بازداشت نامحدود و محاکمه اتباع خارجی مشکوک به دست داشتن در فعالیت تروریستی و یا طالبان را در اختیار دارند. با استفاده از نظریه آگامبن می‌توان دستگیری‌های گسترده در ترکیه و بازداشت قضات و نیروهای میانی ارتش را نیز در راستای همین ویژگی دولت‌های مدرن تحلیل نمود. دولتی که می‌کوشد با انقیاد بر حیات برهنه انسان‌ها بر آنها سیطره یابد و قدرت مطلقه را در لوای پرچم دموکراسی خواهی دگرباره احیا نماید.

## نتیجه‌گیری

وضعیت استثنایی، وضعیتی معماگونه است که در آن رابطه امر سیاسی و امر حقوقی در نقطه عدم تعادل قرار دارد. قانون اساسی ترکیه پس از فراز و نشیب‌های فراوانی که در طی صد سال گذشته تجربه کرده است، از بروز وضعیت فوق‌العاده غافل نبوده و بر اساس قانون اساسی این کشور، رئیس‌جمهور کسی است که درباره وضعیت استثنای تصمیم می‌گیرد؛ اما با توجه به التهاب منطقه خاورمیانه از یک سو و محبوبیت رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور کنونی این کشور، امکان سوءاستفاده از وضعیت فوق‌العاده در این کشور را نباید از نظر دور داشت. اشمیت و آگامبن، دو متفکر برجسته وضعیت استثنایی، هر یک به نحوی به وجود آمدن چنین وضعیتی را محتمل دانسته‌اند. در حالی که اشمیت بر وضعیت پارادوکسیکال این موقعیت تأکید می‌کند، آگامبن نگران سرنوشت افرادی است که در این موقعیت ویژه به فراموشی سپرده شده و در نهایت، در وضعیتی مبهم و نامعلوم از دایره نظم حقوقی بیرون رانده می‌شوند. با توجه به اعلام وضعیت فوق‌العاده سه ماهه در ترکیه، که بر اساس قانون اساسی امکان تمدید آن وجود دارد، وضعیتی ویژه در ترکیه به وجود آمده است که بر اساس آن افراد زیادی از منظومه حقوقی قانون اساسی خارج شده و سرنوشت آنها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به نظر می‌رسد اقتدارگرایی رجب طیب اردوغان در لوای دموکراسی‌خواهی، در نهایت به انقیاد بیشتر شهروندان منجر خواهد شد و این وضعیت ویژه، یادآور این جمله آگامبن است که می‌گوید: در نظم نوین فعلی «ما همه هوموساکریم»!!!

«هوموساکره‌های نوین» بررسی وضعیت استثنایی در ترکیه؛ بر اساس نظریه اشمیت و آگامبن/ ۲۴۵

## منابع

- آگامبن، جورجو. (۱۳۹۵). *وضعیت استثنائی*، ترجمه پویا ایمانی، تهران: نی.
- اشمیت، کارل. (۱۳۹۰). *الهیات سیاسی*، ترجمه لیلا چمن‌خواه، تهران: نگاه معاصر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *الهیات سیاسی ۲*، ترجمه لیلا چمن‌خواه، تهران: نگاه معاصر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *امر سیاسی*، ترجمه سهیل صفاری، تهران: نگاه معاصر.
- خالقی دامغانی، احمد و ملک‌زاده، محمد. (۱۳۹۴). سیاست، پایداری و دولت؛ امر سیاسی و بنیان بینادذهنی آن، *فصلنامه دولت پژوهی*، سال اول، ش ۲.
- نجف‌زاده، رضا. (۱۳۹۳). زیست قدرت در اندیشه سیاسی فوکو، آگامبن و نگری: از جامعه انضباطی تا جامعه کتتری جهانی، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال پنجم، شماره چهارم.
- قانون اساسی ترکیه، با آخرین اصلاحات (۲۰۱۱). ترجمه امیررضا محمودی و محسن مسعودی نیا. منتشر شده در وبلاگ <http://publaw.balgfa.com>
- غفاری، مسعود و اکبری، نورالدین. (۱۳۹۱). روند اصلاح قانون اساسی در ترکیه و تأثیر آن در پیوستن به اتحادیه اروپا، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد واحد شهرضا*، شماره یازدهم.
- ملائکه، حسن. (۱۳۹۲). *الهیات سیاسی؛ چارچوبی برای فهم متقابل دین و سیاست*، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره هشتم، شماره چهارم.
- یاووز، م.هاکان. (۱۳۸۹). *سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه*، تهران: نی.
- Agamben, Giorgio (1998), *Homosacer*: Stanford University press.
- \_\_\_\_\_ (2000), *Means without end: note on politics, theory of bounds*, Minneapolis: University of Minnesota.
- Ellermann, Antje (2009), *Undocumented Migrant and Resistance in the State of Exception*, university of British Columbia, prepared for Union studies association meeting.
- Kinzer, Stephen (2004) "Will Turkey Makes it"? *New York Review*.

- Karadut, Ismail Cam (2011), "perusing a constitution in Turkey: looking for a brand - new social contract or awaiting the same- old social prescription", international human security conference, Istanbul 27-28 October.
- Luisetti, Federico (2011), "Carl Schmitt and Giorgio Agamben from Biopolitics to Political Romanticism", *Journal of Philosophy of Life*, Vol.1, No.1.
- Norris, Andrew (2005), "A Mine that Explodes Silently: Carl Schmitt in Weimar and after". *Political Theory*.Vol.33.No. 6.
- Topukcu, Aslt (2014) *The Process and the Principle of Constitutional Design in Turkey*, Kadir Has University, Istanbul, 11 edition p: 1-13.
- Weber, Samuel (1992), "Taking Exception to Decision: Walter Benjamin and Carl Schmitt", *Diacritics* 22.3-4.